

تاریخ نهضت‌های ملی ایرانیان

- ۱۰ -

در شماره پیشین از وجه تسمیه شعوبیه و عقیده اهل مساوات و قائلین
بتفضیل عجم بر عرب مختصری بحث کردیم و در این شماره سخنان خود را در
باب فرقه شعوبیه ادامه میدهم :

همچنانکه دیده ایم ظهور شعوبیه در اواخر عهد اموی یعنی اوایل - رن
دوم هجری اتفاق افتاده است . تا وقتی که بنی امیه و عمال آنان بر ممالک اسلامی
حکومت میکردند نهضت شعوبیه چون آتشی زیر خاکستر در حال توسعه و
تکامل بود اما همینکه ایرانیان حکومت را از چنگ خلفای بیدادگر اموی
بیرون آوردند و بنی عباس با انکسار بایرانیان بخلافت نشستند و بتقویت این قوم
پرداختند آتش نهضت عظیم فکری و اجتماعی از زیر خاکستر اختفاء بیرون
آمد و زبانه زدن آغاز نهاد . از این پس چنانکه قبلاً دیده ایم وزیران و دبیران
و سرداران و حاکمان ولایات غالباً ایرانی بودند و تازیان ناگزیر بفرمانبرداری
از این قوم تن در میدادند و این امر سبب تازه ای برای تفاخر ایرانیان و حقیر
شمردن تازیان شده بود چنانکه گناه باسخران را نندیده از قوم عرب بیاد می کردند .
شورشیان عرب را (بر ضد خلفای عباسی) ایرانیان بشدت سرکوبی میکردند و
حتی وقتی طاهر ذوالیمینین پرامین خلیفه عباسی غلبه یافت با آنکه میتوانست
او را اسیر کند و نزد مأمون فرستد عمداً بدترین وضعی کشت و این نشانه ای
از بغض و کینه نژاد است . در اینجا طاهر حتماً انتقام قتل عام برامکه را (بفرمان
هارون پدramین و مأمون) گرفت و کسی را که تازیان و طرفداران سیادت
عرب مورد حمایت قرار داده بودند با امیدهای حامیان او بخاک تیره سپرد .
بهر حال خلافت بنی عباس و افتادن زمام حکومت در دست ایرانیان مسایه
تجری این قوم و گستاخی شدید معتقدین بعقیده شعوبیه گردید و عده زیادی از
شعرا و نویسندگان این فرقه آشکارا و بی هیچگونه بیم و هراس شروع بنشر
عقاید و آراء خود کردند .



مراسم استقبال رؤسای طوائف ترکمن از الاحضرت شاهپور غلامرضا



پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 کتابخانه جامع علوم انسانی

رژه واحد های دوچرخه سوار دژبان یادگان مرکز در روز ۲۱ آذرماه
 در میدان جلالیه



پروپشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پرتال جامع علوم انسانی
پرتال جامع علوم انسانی

شعوبیه ایران برای نشر عقاید و وصول بمقاصد ملی خود چندراه درپیش گرفتند: از يك طرف کتبی در ذکر افتخارات ایرانیان تألیف کردند مانند کتاب «فضل العجم علی العرب و افتخارها» (برتری عجم بر عرب و فخر وی) از آثار سعید بن حمید بختکان و «فضائل الفرس» از آثار ابو عبیده معمر بن مثنی - و از طرفی دیگر بتألیف یا ترجمه کتبی از پهلوی حاوی تاریخ ایران و سرگذشت ایرانیان قدیم اقدام کردند مانند آئین نامه و خداینامه و گاهنامه و داستان رستم و اسفندیار و کتاب سکیسران (سران سیستان) و کتاب بیکار و کتاب الصور و چندین کتاب از این قبیل (۱) - و از جانبی دیگر کتابهای بسیاری در ذکر مثالب عرب نوشتند و بدیهای این قوم را در آنها بر شمرند. ذکر بسیاری از این رسالات در کتب ادب و تاریخ آمده است مانند «لصوص العرب» از تألیفات ابو عبیده معمر بن مثنی و «المیدان فی المثالب» از علان شعوبی که در آن تمام بدیها و معایب اقوام مختلف عرب یاد شده است و لسی این کتب بعداً همه از میان رفته و از آنها جز نام و یا قطعات مختصر و منتخبی در بعض کتب باقی نمانده است زیرا بتناسب عمر اسلام طبعاً نفوذ این آئین جای ملیت و تعصب شدید ملی را گرفت و بالنتیجه کتب مذکور پراثر نماندند و توجه و باعتماد از میان رفت.

اماره مهمتری که شعوبیه برای نشر عقاید خود و تحریک حس ملی ایرانیان درپیش گرفتند استفاده از شعر عربیست. علم باین نکته لازم است که ایرانیان در ادبیات عرب از اوخر عهد بنی امیه به بعد همواره صاحب مقام و مرتبه ای بلند بودند و گروه بزرگی از شعرا و نویسندگان نامبردار عربی از میان ایرانیان برخاسته اند. اتفاق را غالب این شعرای بزرگ دارای عقیده شعوبی بوده و عقاید خود را در قصاید و قطعات شیوا بنظم در میآوردند و بسرعت منتشر میساخته اند. از جمله این شعرای بزرگ میتوان اسماعیل بن یسار و بشار بن برد طخارستانی و ابونواس و همیار دیلمی و المتوکل و خریمی سفدی و علان شعوبی و نظایر ایشان را نام برد.

بنام اسماعیل بن یسار (۲) و بعض اشعار او قبلاً اشارتی رفته است. وی نخستین

۱ - برای اطلاع از این کتب رجوع شود به کتاب حماسه سرانی در ایران تألیف نگارنده این مقاله
 ۲ - وی از اهل نسا و از شعرای آل زبیر و سپس آل مروان و از دشمنان بزرگ بنی امیه
 خاصه آل مروان بود و بسال ۶۰۱ هجری درگذشت.

کسی است که در بجهوحه قدرت عرب یعنی در دوره امویان زبان ببیان مفاخر قوم گشود و نیاکان ایرانی خود را بر دیگر اقوام جهان برتری داد و مورد سخط و خشم خلیفه اموی واقع شد این مرد آشکارا عرب را تحقیر و بشرافت نیاکان خود برتازیان مفاخرت میکرد در یکی از اشعار خود چنین گفته است:

مرا بسیار دانسیان و عمان تساجدار است
 که صاحب مجد و در بزرگواری بآخرین حدند
 ای امام (۱) مفاخرت بر ما را فرو گذار
 و جور را رها کن و بصواب سخن گوی
 و اگر از حقیقت حال ما و خود آگهی نداری از من بپرس
 که در روز گاران پیشین چگونه بوده ایم:
 هنگامی که ما دختران خود را تربیت میکردیم
 شما از نادانی آنان را زنده بخاک میسپردید

در اواخر عهد اموی و اوایل دوره عباسی مردی کور از اهل طخارستان در بصره میزیست نام او بشمار ویدن او برد و از شاعران و ادگان ولایت طخارستان بود (۲) وی که بظاهر در زمره مسلمین و واقعاً متمایل بآئین زرتشت بود از کسانست که بشدتی عجیب و با تعصبی کم نظیر نسبت بعرب دشمنی میورزید کینه او نسبت بعرب بدرجه ای بود که حتی آتش را که قبله ایرانیان بود بر خاک که قبله مسلمین از آن جنس است ترحیم داد و گفت:

آتش تابناک و زمین تیره است
 و آتش مورد پرستش است از آن هنگام که وجود داشت
 و نیز گفت:

«ابلیس» از پدر شما «آدم» بهتر است^۳

ای گروه فاجران آگاه شوید

زیرا ابلیس از آتش و آدم از خاک است.

- ۱ - معشوق شاعر است که از قوم عرب بود و مراد شاعر از و همه زاد عربست
- ۲ - وی از شهرای بزرگ ایرانی در آغاز عهد عباسی است و بسال ۱۶۷ هجری در گذشت
- ۳ - آدم اولین فرد بشر در روایات دینی سامیان است که عرب نیز شعبه ای از آنست در صورتیکه نخستین فرد بشر در روایات زرتشتی «کیه مرتن» (گیو مرث) یعنی موجود فناپذیر، نام دارد. بنابراین روایات دینی آدم از خاک و ابلیس از آتش بود.

وزمین (خاك) بمرتري آتش نميرسد .

بشار علناً بعراب دشنام میگفت و آنانرا بپستی و حقارت یاد میکرد و ایرانیان را بترك موالات (۱) و گسیختن رشته انتساب بقبایل عرب دعوت میکرد .
روزی در مجلس عامل بصره در پاسخ عربی بدوی که گفته بود موالی را باشاعری چه کار ؟ چنین گفت :

ای دوست، من بآسانی از پای نمی نشینم .

و بدوست و همسایه ای پناه نمیبرم .

بزودی فخر کننده عرب را از خود

و ازو خیر خواهم داد ، اکنون که اجازت مفاخرت میدهی .

آیا چون پس از برهنگی پوشش خزیافتی ،

و بابزرگان در مجلس شراب همشین شدی ،

برفرزندان آزادگان فخر میکنی ؟

ای فرزند چوپان ، همین خسران ترا بس است !

میخواهی بخطبه ای موالی را درهم شکنی .

آیا شکار موش آزادگی را ازیاد تو برده است ؟

تو آنی که بامدادان آهنک صید خار پستان میکنی

و عقل تو بدراجهای چنانگی نمیرسد !

تو همانی که از بکذ شمال پوشاك میسازی .

و درزمینهای خشك بچرانیدن کوسینند سر گرمی ! (۲)

از شعرای دیگر شعوبی که سخنان او در ذکر مفاخر ملی مشهور است

المتوكلی شاعر معروف و وندیم المتوكل خلیفه عباسی بوده است . از اشعار مشهور

وی یکی اینست :

من فرزند آزادگان جم نژاد .

و صاحب ارث پادشاهان عجم !

زنده کننده آنچه از عز و شکوه آنان که فراهوش شده ،

۱ - قبول حمایت و دوستی و بستگی بقومی چنانکه در قرون اولیه اسلامی معمول بود .

۲ - کتاب الاغانی ج ۳ ص ۲۳ چاپ مصر .

و گذشت روز گاران دیرین آفرایا بود ساخته است.
 من آشکارا خواهان انتقام آنانم
 و اگر از حق آنان غفلت ورزید من غافل نمی نشینم.
 باهن آن درفش کاویا نیست

که امیدوارم بیماری آن بر ملتها برتری یابم.
 پس ب همه افراد بنی هاشم بگوی (۱)
 که پیش از پشیمانی برای خلع مهیا شوید!
 ما بر شما بطعن نیزه ها

و بضرب شمشیرهای بران برتری یافتیم.
 پدران ما پادشاهی را بشما بخشیدند.
 لکن شما شکر نعمت هارا نگزاشتید.

پس به حجاز سرزمین خود باز گردید.

برای خوردن سوسماران و چراغیدن گوسپندان.

و آنگاه من بنیروی تمیغ و قلم بر تخت شاهان خواهم نشست!

یکی دیگر از شعرای ایرانی معروف به خرمی از مردم سفند (۲) که
 قبلا از و نام برده ایم نیز در ذکر مفاخر ایرانیان بسیار غلو میکرد. وی در یکی
 از اشعار خویش چنین گفته است:

از مرو و بلخ سوارانی را خواندم.

که ایشان را در میان آزادگان حسینی نیکوست.

افسوس که خانه خویشاوندان من نزدیک نیست.

تا یاوران من از میان آفتاب بسیار شوند و روزگار بر من نیکو گذرد.

پدر من ساسان، کسری پسر هرمز است.

و اگر بدانی خاقان هم از خویشاوندان منست.

در پیش از اسلام مالک رقاب همه مردم بودیم،

همه مطیع و منقاد و بسته فترک ما بودند،

بر شما تازیان برتری داشتیم و حکومت میکردیم،

بنحوی که بخطا یا صواب آرزوی ما بود.

۱ - مراد از بنی هاشم در اینجا اولاد عباس بن عبدالمطلب یعنی بنی عباس است

۲ - سفند ناحیه ایست در ماوراءالنهر

و چون اسلام آمد و سینه‌ها برای آن گشوده شد،
ما از پیغامبر خدا پیروی کردیم چنانکه گفتی
آسمان برای ما شروع بسیاریدن رجال کرد...

شعرای شعوبیه بجدی ازینگونه اشعار سروده‌اند که نقل همه آنها در
اینجا دشوار است. این اشعار بسرعت در میان ایرانیان منتشر میشد و یکی
از علل دائمی تحریک آنان بر تازیان و تذکار افتخارات گذشته و مهیا گشتن
ایشان برای کسب استقلال بود و بدین سبب میتوان اهمیت شعوبیه و شعرای
آنان را درست بدانند اهمیت و مقام سرداران و مردان بزرگ سیاست که
مایه تجدید استقلال ایران شده‌اند دانست.

شدت تبلیغات شعوبیه بیشتر در قرن دوم و سوم بود. در قرن چهارم هم هنوز
آثاری از افکار تند شعوبیه مشهود است. در این قرن بزرگترین شاعر ایرانی
ابوالقاسم فردوسی با فکر تند شعوبی خویش بسردن شاهنامه و بیان مفاخر
ملی ایران مشغول بود ولی پس از این تاریخ خاصه از آن هنگام که باغلبه
ترکان (۱) سیاست دینی جای سیاست نژادی را گرفت تبلیغات شعوبیه بسستی
گرائید و همراه حس ملی ایرانیان طریق ضعف و انحطاط سپرد.

سخن ما راجع به نهضت‌های ملی ایرانیان برای احیاء استقلال ملی که
پس از تسلط عرب و انقضای ساسانیان صورت گرفته بود ذکر اینجا به‌نهایت رسید.
این سلسله مقالات که در نگارش آنها رعایت کمال امانت تاریخی شده است.
قسمتی از مجاهدات عظیم ملی ایرانیان را برای بدست آوردن سیادت ملی آشکار
میسازد و ما بخوبی در می‌یابیم که چگونه ملت ایران در طی دو قرن و نیم
الی سه قرن از دوره مغلوبیت خویش باروش عاقلانه و متینمی توانست استقلال
ادبی و سیاسی و نظامی خود را از فنا و زوال رهائی بخشد و درحالی که تمام
ملل اسلامی زبانهای ملی و محلی خود را از دست دادند اوزبان ملی خویش را
با ادبیات عالی و زیبای آن زنده نگاه دارد. این سلسله از مقالات باید سر مشق
بزرگی برای مادر تجدید افتخارات ملی و احیاء ایران زنده و نیرومند قدیم و
ملت فداکار و جانباز ایران واقعی باشد. از خداوند بزرگ تجدید چنین

۱ - مانند غزنویان - سلجوقیان - سرداران و قواد ترک نواد دربار خلفا - آل خاقان -

اتابکان - خوارزمشاهان آل اتسر - مغولان ...

حیات ملی کم نظیر و همان روح سرشار از حب وطن و فعالیت و مردانگی و حمیت ملی و تحمل هر گونه مشقت برای ایران عزیز را خواستاریم .

در پایان این مقال بذکر بعضی از مآخذ که مورد استفاده نگارنده در

تحریر این مختصر بوده است مبادرت میشود :

الغانی ابی الفرج اصفهانی . چاپ مصر .

معجم الادباء یا قوت حموی چاپ مصر .

حدود العالم من المشرق الی المغرب . چاپ تهران

معجم البلدان یا قوت حموی . چاپ مصر .

دائرة المعارف اسلام . متن فرانسه .

تاریخ التمدن الاسلامی . جرجی زیدان . چاپ مصر .

تاریخ آداب اللغة العربیه . جرجی زیدان . چاپ مصر

فجر الاسلام . احمد امین . چاپ مصر .

بلوغ الارب فی تاریخ العرب . چاپ بغداد .

ضحی الاسلام . احمد امین . چاپ مصر .

مقاله شعوبیه بقلم آقای همائی . مجله مهر . سال دوم .

بابک خرم دین . بقلم آقای سعید نفیسی . مجله مهر سال اول .

تاریخ ایران تألیف سرپرستی سنایکس . ترجمه آقای فخر داعی . چاپ تهران

تاریخ ایران باستانی تألیف مرحوم مشیرالدوله چاپ تهران .

طبقات سلاطین اسلام . تألیف استیانی لنین پبول . ترجمه آقای عباس

اقبال . چاپ تهران .

تاریخ محمد بن جریر الطبری . چاپ مصر

الکامل بن اثیر . چاپ مصر .

ترجمه تاریخ طبری . بلعمی . نسخه خطی .

نکت الهمیان فی نکت العمیان . چاپ مصر

شعوبیت فردوسی . بقلم نگارنده این مقاله . مجله مهر سال دوم

نقابدار خراسان . المقنع هشام بن حکیم . بقلم نگارنده این مقاله سال

چهارم و پنجم مجله مهر .

حماسه سرائی در ایران . تألیف نگارنده این مقاله چاپ تهران

تهران . پنجم دیماه ۱۳۲۶